

قانون جذب چیست؟ اصلا وجود دارد؟

اینکه می گویند بر اساس قانون جذب می توانیم به هر چیزی که می خواهیم برسیم، واقعیت دارد؟ این ها نمونه سوالاتی است که در مورد قانون جذب وجود دارد، و برای خیلی ها باور پذیر نیست که فکر کردن به هر چیزی، می تواند موجب به دست آوردن آن چیز شود حالا چه مثبت و چه منفی!

قانون جذب مثل جاذبه زمین هست.

ما آن را نمی بینیم اما وجود دارد و با نیرویی درونی روی تمام جنبه های زندگی مان تاثیر می گذارد. دقت کردید آدم هایی که در زندگی شان مدام ناله می کنند، و از همه چیز و همه کسی شاکی هستند، چقدر همیشه اتفاقات منفی برایشان رقم می خورد و مدام درگیر مشکلات و مسائل مختلف هستند؟

اصلا برای همین این ضرب المثل معروف هست که می گوید: "هرچی سنگه برای پای لنگه" حالا برعکس هم هست که آدم ها مثبت نگر هستند،

و با دید مثبت زندگی شان را پیش می برند و معمولا هم زندگی آرامی دارند.

واقعا همه چیز از ذهن ما نشات می گیرد و به قول فیلیپس کویمبی، صاحب جنبش تفکر نو،

بدن فقط خانه ای است برای ذهن که توسط آن کنترل می شود و ما بر اساس اهمیتش میزان ارزش آن را تعیین می کنیم.

چگونگی شکل گیری قانون جذب / قانون جذب از کجا آمده؟

آقای فیلیپس کویمبی کسی بوده که برای اولین بار،

قانون جذب را در زندگی شخصی خودش به کار گرفته و به آن پی برده اما نه با این اسم!

ایشان به بیماری سل مبتلا می شود و بعد از اینکه درمان دارویی نتوانست بیماریش را خوب کند،

حسابی بهم ریخت و سعی کرد راهی پیدا کند.

یک روز که در حال اسب سواری بوده، متوجه می شود که دردهایش کاهش پیدا کرده،

و خیلی احساس بهتری دارد و در این زمان ذهنش از بیماری دور بوده است.

این اتفاق توجهش را جلب می کند و بعد از آن تصمیم می گیرد،

که روی فعالیت هایی تمرکز کند که برایش لذت بخش هستند.

مطالعاتش در این زمینه و تجربه ای که به دست آورده بود منجر به نظریه ذهن بالاتر از بدن شد.

اما کسی که این موضوع را برای اولین بار به عنوان یک قانون کلی مطرح کرد،

شخصی به نام پرینس مولفورد بود که در مقاله خود با عنوان قانون موفقیت، از این شیوه تفکر استفاده کرد و به مرور زمان آن را به تمام بخش های زندگی تعمیم داد.

قانون جذب چیست؟

در واقع در زندگی همه ما این قانون وجود دارد و مصداق آن هر روز و هر روز جلوی چشممان هست، اما شاید آن را نبینیم که خب کاملا هم طبیعی است چون اطلاعات زیادی در موردش نداریم! اما بیایید چند مثال را بررسی کنیم.

"از قدیم گفتن که هرچه کنی به خود کنی گرچه به نیک و بد کنی" یا "خوبی، خوبی، خوبی میاره"

این ها حرف هایی هستند که در اصل به همان قانون جذب اشاره می کنند، اما قدیمی ها که این ضرب المثل ها را گفتن بر اساس تجربه خودشان آن را شناختند نه به عنوان یک علم و یک قانون!

ما معتقدیم که اگر به کسی خوبی کنیم این خوبی کردن بی جواب نمی ماند و روزی، جایی که نیاز داریم به شکلی دیگر به ما بر می گردد.

به همین دلیل اگر پیرزنی را ببینیم که نمی تواند از خیابان رد شود بهش کمک می کنیم، یا برای بچه ای که در معرض آسیب هست، دلسوزی می کنیم و سعی می کنیم کمکش کنیم.

همین طرز فکر در مورد بدی کردن هم وجود دارد و معتقدیم، ظلمی بی پاسخ نمی ماند و کسی که ظلم می کند روزی نتیجه کارش را می بیند. حالا این طرز فکر از کجا می آید؟ چرا این باور را داریم؟ چون تمام کارهایی که انجام می دهیم، کلماتی که استفاده می کنیم، تمام آنچه که به آن فکر می کنیم، آنچه که به آن ایمان داریم، آنچه احساس می کنیم و... دارای انرژی هستند.

در واقع تمام موجودات انرژی دارند و ما این انرژی را دریافت می کنیم. چرا بعضی از آدم ها دوست دارند حیوان خانگی مثل سگ یا گربه داشته باشند؟ چون انرژی مثبت دارند. چرا خیلی ها در فضای خانه هایشان از گل و گیاه استفاده می کنند؟ چون انرژی دارند و ما این انرژی را دریافت می کنیم. البته این ها، انرژیهای مثبت است و ممکن است انرژی خیلی چیزهای دیگر منفی باشد.

قانون جذب ؛ انرژی پنهان در هر چیزی را به رسمیت بشناسیم

مثلا کسی که مدام از کلمات منفی استفاده می کند، در واقع وجودش پر شده از انرژی منفی و ما، ناخودآگاه از آن شخص فاصله می گیریم چون ارتباط داشتن با چنین افرادی حالمان را بد می کنند. حتی شاید ندانیم چرا از کنار این آدم ها بودن، نمی توانیم لذت ببریم.

احتمالا خیلی هم شنیده باشیم که می گویند: اصلا بدون هیچ دلیلی از این آدم خوشم نمی آید. در اصل دلیلش بر می گردد به همین انرژی منفی که در وجود آن شخص هست، و ما از آن بی خبریم و فکر می کنیم بی دلیل از او خوشمان نمی آید.

وقتی در مورد هر چیزی فکر می کنیم درواقع داریم به سمت آن انرژی می فرستیم، و همین انرژی از سمت آن، به خود ما بر می گردد.

مثلا وقتی به گیاهم آب می دهم و به آن رسیدگی می کنم، انرژی به آن می دهم و آن هم همین انرژی را به من بر می گرداند، به همین دلیل از اینکه در خانه ام گیاه دارم احساس رضایت می کنم.

فکر کردن به هر چیزی به همین شکل عمل می کند. من وقتی به ثروتمند شدن فکر می کنم،

ناخودآگاه ذهنم را نسبت به تمام اتفاقاتی که به پولدار شدن من کمک می کند، حساس می کنم و تصمیم هایم به طور ناخودآگاه به سمتی می رود که به پولدار شدنم کمک می کند.

از طرف دیگر فکر کردن به پول باعث می شود اتفاق هایی را به سمت خودم جذب کنم که در آن ها پول هست.

مثلا کاری بهم پیشنهاد می شود که پولی خوبی دارد و می توانم با انجام اینکار به پول زیادی برسم. یا اگر دنبال احساس عشق هستیم، اگر به اطرافیانمان رفتار محبت آمیز داشته باشیم، و با عشق با آن ها حرف بزنیم و برخورد کنیم، این محبت به ما برمی گردد.

در پایان...

تحقیقات نشان داده که دیدن نیمه پر لیوان و ایجاد نگرش مثبت، از بروز بیماری های زیادی مثل بیماری های قلبی، افسردگی جلوگیری می کند، حتی دردهای جسمی را کاهش داده و زندگی شادتر و همراه با آرامشی را در پی دارد. نگرش مثبت هم در واقع همان جذب انرژی های مثبت است.